

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

اسفند ماه ۱۳۹۱ مارس ۲۰۱۳

شماره ۸۰

toufan@toufan.org www.toufan.org

بیانیه حزب کارایران (توفان) به مناسبت روز جهانی زن

فرخنده باد ۸ مارس روز بین المللی زن



بیانیه ۱۲۱ نفر پیرامون انرژی هسته ای و خوشرفی برای امپریالیستها

۷۰ سال پس از پیروزی استالینگراد



عدالت و مهرورزی اسلامی و تعیین حداقل دستمزد کارگران

اطلاعیه حزب کارایران (توفان)

در محکومیت ترور نفرت انگیز شکری بلعید رهبر حزب متحد میهنی تونس

مصاحبه خبرنگار «زمان»!

با جیلانی حمامی سخنگوی حزب کارگران تونس در مورد اوضاع کنونی تونس



حزب العمال یانه القوه الديمقراطية إلى إن حكومة تعزیتی مستقبل
الحزب الديمقراطي الإسلامي القطر التونسي إقليم حزب العمال في الأول من أيار في تعزیت تونس
شباب تونس في اجتماعه مع القوي. كما حضور ممثلو القوي السابقين في اجتماعه الذي جرت فيه
تشيديها. خلال دولة سخيية لم يقدما. سخيية اليوم بالقطر العرقي حزب
وأشار الضمني موجعا أن على تعزیت وزير الداخلية السابق الذي لم يتمكن من إلقاء التوضيح
الأمني في عدة مناسبات على قرار حادتي في الفرق وقرق السفارة الأمريكية. هو سياسي غير
مؤهل ليكون رئيسا للجمهورية.
وتاء على هذا الضمني أحد الناطق الرسمي باسم حزب العمال أن حزبنا كما اللجنة التنفيذية
متمسك برؤسها للقطر هذه الحكومة. حيث اعتبر النما بمثابة "المواصلة على الطريق

تنبيه و تحريم مردم ايران يك جنایت ضد بشری

تشديد اختلافات رژیم و بازداشت سعيد مرتضوی

نمایش حقوق بشری و یاران انقلاب مخملی

تحقیر انقلاب مردم یک سیاست استعمارپرست

زندانی داریم ... تا زندانی...!

اعتصاب غذای هزاران زندانی فلسطینی

بیانیه حزب کار ایران (توفان) به مناسبت روز جهانی زن

فرخنده باد ۸ مارس روز بین المللی زن

در تجربیات تمام جنبشهای آزادی مشاهده شده
که موفقیت یک انقلاب بستگی به میزان
شرکت زنان در آن دارد (لنین)

هشتم مارس روز بین المللی زنان باردیگر فرا میرسد. این روز تاریخی روز همبستگی زنان سراسر جهان در پیکار بخاطر رهایی از قیود ارتجاعی و قرون وسطائی و نیل به تساوی حقوق با مردان است. حزب ما فرصت را مغتنم شمرده این روز تاریخی را به همه زنان جهان تبریک می گوید. رشد مبارزات مردم تحت ستم ایران برای سرنگونی رژیم استبدادی و زن ستیز جمهوری اسلامی از شرکت روز افزون زنان حکایت دارد. امروز نام بسیاری از زنان پیکارگو که پا به پای مردان برای رهایی از ستم بپا خاسته اند در لوحه افتخار می درخشد و همین مشارکت میلیونی فعالان ایرانی است که پیروزی مردم ایران را تضمین خواهد کرد.

علل اسارت زن و راه رهایی او

زن قرنهایست که در اسارت بسر می برد. تنزل مقام زن و نابرابری او در جامعه از آسمان نازل نشده است، بلکه هنگامی آغاز شد که نقش او در تولید اجتماعی تخفیف یافت و مالکیت خصوصی پدید آمد. از آن پس او تنها "برده هوسرانی مرد شد و به ابزار تولید فرزند تبدیل گردید". بنابراین اسارت زن معلول جامعه طبقاتی است و آزادی او تنها با محو جامعه طبقاتی امکان پذیر است. اما محو جامعه طبقاتی که از طریق برانداختن مالکیت خصوصی بر وسائل تولید امکان پذیر است، تنها در رسالت تاریخی طبقه کارگر می باشد. طبقه کارگر با انجام این رسالت تاریخی نه تنها آزادی خود، بلکه آزادی تمام جامعه و از آن جمله آزادی کامل زن را نیز تامین خواهد کرد. از این رو زنان در مبارزه بخاطر آزادی به طبقه کارگر پیوسته و در این پیکار دوران ساز به سالیان متمادی اسارت خود پایان خواهند داد. این تنها راه آزادی زنان است و تمامی "تابو شکنیهای برهنگی" و کلمات دهن پر کن بورژوازی و فمینیستها، مذهبیبون و..... درباره رهایی زن تنها برای انحراف مبارزه زنان بوده و هدفی جز دوساختن آنها از هدف اصلی و حفظ وضع موجود ندارند.

آزادی زن در یکسانی استثمار با مرد و تنها برای دستمزد برابر نیست. آزادی زن تنها در لغو محدودیتهای شغلی آنها و یا شرکت برابر آنها در انتخابات و یا تنها در کاربرد برابر آنها با مرد و یا آزادی جنسی و آزادی طلاق و برابری در ارث و... نیست. مارکسیسم لنینیسم خواستار آزادی زن در کلیه شئون اجتماعی است. این تئوری رهاییساز بشریت بر اساس کشف علل اسارت زن، محتوای مبارزه او برای رهایی از اسارت را طبقاتی می داند که مطابق آن آزادی زن و برابری او با مرد تنها در جامعه ای آزاد از هرگونه ستم اقتصادی و اجتماعی بدست می آید. بنابراین زنان برای رهایی از اسارت استثمار و فرهنگ مرد سالاری با کلیه نیروهای انقلابی تحت رهبری طبقه کارگر بسیج میشوند تا با بر پائی جامعه ای سوسیالیستی راه آزادی خویش را ترسیم نمایند.

مبارزه برای حقوق دمکراتیک زنان

حزب کار ایران (توفان) به روشنی از حقوق زنان ایران دفاع میکند و در مسیر استقرار تساوی حقوق زنان و مردان، لغو کلیه قوانین ارتجاعی مذهبی و غیر مذهبی، لغو هرگونه تبعیض و محدودیت بر حسب جنسیت، آزادی پوشش، آزادی ازدواج و انتخاب همسر و ازدواج غیر مذهبی، لغو کلیه قوانینی که به بهانه ناموس ارتکاب جنایت علیه زنان را توجیه میکنند، ممنوعیت فحشا بطور کلی و فحشا مذهبی بنام صیغه گری، آزادی سقط جنین و به رسمیت شناختن این حق برای زنان و..... میکوشد و پیگیرانه در جهت تحقق آن که با برافکندن رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی میسر است گام برمیدارد.

همبستگی زنان ایران با زنان منطقه

امروز سرنوشت زنان ایران به سرنوشت زنان عراق و افغانستان و بحرین و فلسطین و سایر زنان منطقه گره خورده است. این است که طرح مطالبات بر حق زنان ایران بدون پیوند آگاهانه با مبارزه علیه تجاوزات امپریالیستی و فریاد دست امپریالیستها از ایران و منطقه کوتاه باد! فاقد محتوا و ترقی خواهد بود. نمی توان مدافع حقوق زنان ایران بود اما از تجاوز نظامی به لیبی، سوریه، لبنان، فلسطین، عراق، افغانستان و بحرین..... حمایت نمود و این سیاست امپریالیستی را در قالب مبارزه با اسلام سیاسی تئوریزه و تبلیغ کرد. تا امپریالیسم و ارتجاع طبقاتی در جهان حاکم است تصور آزادی کامل زنان و تحقق حقوق دمکراتیک و برابر آنها با مردان میسر نخواهد بود. حزب ما یقین دارد که زنان تحت ستم و مبارزر ایران با اتحاد و یکپارچگی نقش شایسته خود را در برانداختن رژیم زن ستیز سرمایه داری جمهوری اسلامی و زدودن تمامی قید و بندهای سرمایه داری و ماقبل سرمایه داری با سر بلندی ایفا خواهند کرد جز این نخواهد بود.

فرخنده باد هشتم مارس روز همبستگی زنان سراسر جهان!
سرنگون باد رژیم زن ستیز سرمایه داری جمهوری اسلامی بدست مردم ایران!
زنده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت!

حزب کار ایران (توفان)

اسفند ۱۳۹۱ خورشیدی برابر با مارس ۲۰۱۳ شمست

www.toufan.org

بیانیه ۱۲۱ نفر پیرامون انرژی هسته ای و خوشرقصی برای امپریالیستها

اخیرا بیانیه ای با امضا ۱۲۱ نفر از فعالین سیاسی در خارج از کشور پیرامون مناقشه هسته ای ایران انتشار یافته است. صادرکنندگان بیانیه از رژیم جمهوری اسلامی خواسته اند "که پیش از وقوع فاجعه به این مناقشه پایان دهد". صادرکنندگان بیانیه با فرمان عقب نشینی و فراخواندن رژیم، جهت متوقف ساختن غنی سازی اورانیوم و استفاده از انرژی هسته ای و انصراف از حق قانونی خود، از کشور ایران می طلبند به زورگوییهای امپریالیستها تن در دهد، تا امپریالیست آمریکا و شرکاء به رحم آیند و به کشور ایران تجاوز ننمایند!! آیا این سفیهان سیاسی نمی فهمند که اتهامات پوچ امپریالیستی در مورد برنامه هسته ای ایران تنها بهانه ای برای اشغال ایران و تحقق نیت شوم امپریالیستی است؟ اگر رژیم جمهوری اسلامی از این حق مسلم ایران نیز بگذرد و در بست تمام خواسته های غرب در مورد مسئله هسته ای را بپذیرد، آنها با پیشنهاد برسمیت شناختن اسرائیل و مبارزه با "تروریسم" و... به میدان می آیند و این قصه سر دراز دارد.

اما سرنوشت غم انگیز لیبی و سرنوشتی رژیم قذافی در مقابل ماست و شاهدیم که حاکم لیبی به رغم تمام عقب نشینیها و امتیاز دانهای سیاسی و اقتصادی اش، نیز نتوانست جان سالم بدر برد و سر انجام توسط امپریالیستها سرنگون گردید. این رخداد، دلیلی بر این مدعاست که امپریالیستها استقلال هیچ کشوری را بر نمی تابند و با دروغ و ریاکاری و با توسل به قطعنامه های غیر قانونی سازمان ملل بدنبال بهانه می گردند تا اهداف استعماری و فاشیستی خود را که همانا نقض آشکار حق خود تعیینی سرنوشت ملل است، به اجرا در آورند. صادرکنندگان بیانیه سازش با امپریالیسم و کنار آمدن با سیاستهای استعماری را در دستور کار خود دارند و به این توهم دامن می زنند که با سازش و همکاری با امپریالیسم می توان به "آزادی و استقلال" دست یافت.

حزب ما بارها در بیانیه ها و مقالات سیاسی اش بطور روشن بیان داشته است، که سرنوشتی رژیم ارتجاعی و بهیمی جمهوری اسلامی یک امر داخلی و وظیفه مردم ایران است و هر گونه قدری و تحریمهای غیر قانونی و تهدیدات نظامی جنایتکارانه را محکوم کرده و در مقابل آن قاطعانه خواهد ایستاد.

حزب کار ایران (توفان) هر نوع چراغ و چشمک و خوشرقصی برای امپریالیستها را محکوم می کند و همه مبارزین انقلابی و میهنپرست را به افشای کلاشان و مداخلان امپریالیست که به تطهیر سیاستهای تجاوزکارانه استعماری می پردازند، فرا می خواند. این روشنفکران خودفروخته کسانی هستند که از مدتها قبل توسط دستگاههای امنیتی دشمنان ایران پرور شده و برای چنین روزی آماده شده اند.

نقل از فیسبوک توفان سخن هفته

چهارم اسفند ۱۳۹۱



۷۰ سال پس از استالینگراد

پیروزی بر نازیها امکانپذیر بود

مقاله ای از پرولتر شماره ۶ فوریه ۲۰۱۳ ارگان مرکزی حزب کمونیست سوئد (مارکسیست لنینیست)

در ۲ فوریه ۱۹۴۳ باقی مانده نیروهای نظامی آلمان در استالینگراد که در محاصره بودند، تسلیم شدند. پیروزی کامل اتحاد جماهیر شوروی برزیده ترین نیروهای برگزیده هیتلر، یک واقعیت بود.

برای دومین بار متوالی ارتش اتحاد جماهیر شوروی به جهان نشان داد که میشد نازیها را شکست داد. در نبرد بزرگ مسکو جهان شکست نیروهای نظامی نازیها و عقب نشینی اجتناب ناپذیر آنها را، تا صدها کیلومتر، دید. در آنزمان انسانهای عاشق آزادی امید تازه ای برای شکست کامل نازیها بدست آوردند. پیروزی در استالینگراد آن امید بود!

از پیش از ۳۱ ژانویه ۱۹۴۳ بزرگترین گروه آلمانی در استالینگراد با مارشال von Paulus در راس آنها تسلیم شده بود. در مجموع در استالینگراد ۲۴ ژنرال، ۱۰۰۰۰ افسر و بیش از ۸۰۰۰۰ سرباز آلمانی به اسارت گرفته شده بودند. نبرد استالینگراد در ۱۷ ژوئن ۱۹۴۲ آغاز شد. جنگی وحشتناک، در جبهه‌ای تا ۸۰۰ کیلومتر، شمرده شده در هر دو طرف، تقریباً ۲ میلیون سرباز برای زندگی خود می‌جنگیدند. نازیها به منظور در هم شکستن دیوار دفاعی شورویها هر چه داشتند سرمایه گذاری نموده بودند. نیروهای نظامی آلمان به تبلیغات نازیها در مورد پیروزی بر مردم عقب مانده شوروی و منابعی که جهت بدست آوردن وجود داشت ایمان کامل داشتند. در طرف دیگر سربازان شوروی در مبارزه‌ای ویرانگر برای آزادی و کشور سوسیالیستی می‌جنگیدند. نبرد استالینگراد زمانی رخ داد که شوروی به تولید تجهیزات جنگی روی آورده بود. تولید همه نوع سلاح جنگی ضروری با بهترین کیفیت به بالاترین حد خود رسیده بود، بخشهای جدیدی تاسیس و سربازان و افسران تجربیات جنگی بدست آورده بودند. هیچ سرمایه داری قادر به درک توانی که در سوسیالیسم وجود دارد نیست. برای هیتلر، ژنرالهای نازی و سرمایه داران در غرب اتحاد جماهیر شوروی در زمان استالینگراد، کشوری بود در حال نابودی. بهترین ارزیابی توسط ژنرال فرمانده در اکتبر ۱۹۴۲ ارائه شد. "روسها خودشان در جریان درگیریهای اخیر بشدت تضعیف شده اند و به میزان زمستان ۴۳/۱۹۴۲ نیروهای نظامی در اختیار نخواهند داشت."

ژنرال Jodl، رئیس عملیات دفتر فرماندهی آلمان در نورمبرگ شهادت داد: "ما مطلقاً هیچ تصویری از توان نیروهای نظامی شوروی در آن منطقه نداشتیم. در گذشته در آنجا چیزی وجود نداشت، اما ناگهان حمله شدیدی انجام شد که اهمیت بسزایی پیدا کرد." ژنرال Jodl در مورد حمله شوروی که در ۱۹ نوامبر آغاز شد صحبت میکند. نیروهای نظامی شوروی با حمله‌ای گسترده و بسیار موفقیت آمیز بر علیه جناحین ارتش نازیها آنها را متلاشی و کلیه نیروهای آلمانی را در استالینگراد، ارتش ششم و بخشهایی از چهارم، تانکهای ارتش، در مجموع ۲۲ لشکر، تقریباً ۳۳۰۰۰۰ نفر، را به محاصره خود درآوردند. در جریان حمله بر علیه جناحین از شمار نیروهای نظامی مجاری رومانیایی بشدت کاسته و متلاشی شدند. نیروهای نظامی آلمانی و von Paulus در محاصره قرار داشتند. آنها ماهها تلاش نمودند، اما بدون موفقیت، که محاصره را در هم بشکنند. هیتلر ارتش جدیدی، ۲۷ لشکر از جمله پنج لشکر زرهی را جهت نجات نیروهای von Paulus از محاصره ارتش شوروی اعزام نمود. اما مشکلی حل نشد. نیروهای نظامی شوروی کاملاً آماده بودند، آنها از دو سو تلاشهای هیتلر را برای آزاد نمودن نیروهای گرفتار در محاصره متوقف نمودند.

شکست آلمان در استالینگراد یک فاجعه بود. تجهیزات جنگی که آلمان از دست داد معادل با شش ماه از تولید جنگی آلمان بود. هیتلر در آلمان سه روز عزای عمومی اعلام نمود. این شکست از نظر سیاسی نیز برای نازیها نابود کننده بود. ژاپن از جنگ بر علیه اتحاد جماهیر شوروی دست برداشت. مجارستان و رومانی مذاکرات صلح مخفیانه با آمریکا و انگلیس را آغاز نمودند، موسولینی به هیتلر پیشنهاد داد که از جنگ در شرق صرف نظر نماید و ترکیه خود را بیطرف اعلام نمود. انفکاک اتحاد نازیستی - فاشیستی آغاز شد. پیروزی اتحاد جماهیر شوروی در استالینگراد یک جنبش جدید شجاع را بر علیه نازیسم و فاشیسم در سراسر جهان براه انداخت. انسانهای عاشق آزادی برای مبارزه بپاخاستند، عبارت "استالینگراد" مانند شعاری برای مبارزه، برای پیروزی، دهان به دهان چرخید. از آمریکا و انگلستان پیامهای تریک از جانب پرزیدنت روزولت و چرچیل فرستاده شدند. روزولت برای استالینگراد دیپلم افتخاری را که در آن اعلام نمود بود که مبارزه در استالینگراد "برای همیشه کلیه اعمال انسانهای آزاد را تحت تاثیر خود قرار خواهد داد" فرستاد و تایید نمود که استالینگراد "چرخشی را در جنگ متفقین بر علیه نیروهای تجاوزگر ایجاد نمود". چرچیل شمشیر - ه متعلق به Georg VI را با کتیبه "به شهروندان استالینگراد، محکم مانند فولاد، از پادشاه Georg VI بعنوان سندی بر ستایش عمیق مردم انگلیس" به استالین داد.

قردانی غرب از اتحاد جماهیر شوروی پایان ناپذیر بود. پیروزی که اتحاد جماهیر شوروی بدان دست یافته بود یک پیروزی برای تمام جهان بود.

با گذشت زمان قردانی غرب، پس از بدست آمدن پیروزی قطعی، بپایان رسید. کارزارها پس از آن بر علیه اتحاد جماهیر شوروی گسترده بوده است. دروغها ستون روزنامه ها، تلویزیونها و رادیوها را پر کرده اند. تمام اینها برای اینکه از اهمیت پیروزی اتحاد جماهیر شوروی کاسته و آنرا نابود نمایند.

یکی از اولین افسانه های ارائه شده از جانب جهان سرمایه داری این بود که پیروزی اتحاد جماهیر شوروی بر آلمان نازی به دلیل ارسال سلاحهایی بود که از جانب انگلستان و آمریکا فرستاده شدند. یقیناً این سلاحها مفید بودند و از آنها بخوبی استفاده شد، اگر چه فقط ۴ درصد از تجهیزات شوروی را تشکیل میدادند. اتحاد جماهیر شوروی پول آنها پرداخت کرد و از یاری آنها سپاسگزاری نمود.

اما رسانه های خبری سرمایه داری از کمکهای تسلیحاتی به نازیهای آلمان چیزی نمیگویند. این امر موردیست ناشناخته برای اغلب مردم. در جریان جنگ جهانی دوم در آلمان نازی چندین کارخانه اسلحه سازی متعلق به شرکتهای آمریکایی، که شبانه روز برای ارائه آنچه‌ای که ارتش آلمان به آن نیاز داشت کار میکردند، وجود داشت. از سلاحهای گرم تا مهمات، توپها، موتورها تا هواپیماها و تانکها، کامیونها و اتوموبیلها، بله، هر چیزی که برای براه انداختن جنگ مورد نیاز است.

این تجهیزات عمدتاً بر علیه اتحاد جماهیر شوروی استفاده شدند اما در جنگ بر علیه فرانسه و بعدها بر علیه آمریکا و انگلستان زمانیکه این کشورها جبهه دومی را بر علیه آلمان نازی در فرانسه، ۱۹۴۴، باز نمودند نیز استفاده شدند. ما در مورد از شرکتهایی مانند آی تی تی، فورد، جنرال موتورز، استاندارد اویل صحبت میکنیم. این فعاليتها در تطابق کامل با قوانین آمریکا بود.

در ۱۳ دسامبر ۱۹۴۱، شش روز پس از حمله ژاپن به پرل هاربر و چهار روز پس از اعلام جنگ هیتلر بر علیه آمریکا، پرزیدنت روزولت فرمانی را "معامله با قانون دشمن" که معامله با دشمن را مجاز میدانست امضاء کرد. سودهای حاصل از کارخانجات آمریکایی در آلمان به بانک بین المللی BIS واقع در سوئیس پرداخت میشدند، آنها نیز به نوبه خود به شرکتهای آمریکایی پرداخت میکردند. در یک کلام سرمایه داری این است.

پیروزی استالینگراد، با توجه به تمام مشکلات و تمام سرمایه داران، یک پیروزی برای سوسیالیسم بود. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نشان داد که سوسیالیسم یک سیستم برتر اجتماعی است، سیستمی که انسان زحمتکش را آزاد و آینده و آزادی را به آنها ارائه میدهد.

عدالت و مهرورزی اسلامی و تعیین حداقل دستمزد کارگران



نقاشی رنگ و روغن زر و زور و تزویر اثر ن. ع

کسانی که شاهد تحولات سیاسی و اجتماعی در چند ماه قبل از انقلاب بهمن ۵۷ بوده اند حتماً به خاطر می آورند چگونه ساواکی ها و بازاریهای هیئت های مؤتلفه اسلامی و انجمن حجتیه دست در دست هم از وحشت رادیکال شدن روند انقلاب دست به تبلیغات ضد کمونیستی و عوام فریبانه می زدند و در پلاکاردهای بزرگی که عرض خیابان را می پوشاند می نوشتند که: "طرفداران مارکس که می گفتند دین افیون توده هاست بیایند ببینند چگونه دین باعث بیداری توده ها شده و حاکمیت قسط و برابری اسلامی را برقرار می کند."

امروز بعد از گذشت ۳۴ سال از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ هنوز باندهای مافیائی حاکم با دستاویز قرار دادن باورهای مذهبی مردم تلاش در تحمیل آنها دارند؛ اما این حربه ایدئولوژیک در برخورد با واقعیات عینی جامعه چنان زنگ زده و پوسیده شده که کارائی خود را از دست داده است و هرگز حاکمیت اسلامی جرئت نخواهند کرد از چنین پلاکاردی در حال حاضر استفاده کند، چرا که همه مردم ایران حق را به مارکس و کمونیستها خواهند داد.

کارگران و زحمتکشان در این دوران سیاه با پوست و گوشت و استخوان خود مفهوم واقعی حاکمیت مستضعفین، قسط و مساوات اسلامی، اسلام ناب محمدی و عدالت و مهرورزی را در ام القرای اسلامی درک کرده اند. وجه مشترک همه کابینه ها و جناحها و باندهای مافیائی گوناگونی که در دوران بعد از انقلاب قدرت را در دست داشته اند در خیانت به اهداف انقلاب مردم و ماهیت ضد انقلابی و ضد کارگری و استثمارگرانه و کاربرد زور و تزویر در خدمت زراندوزی سرمایه داری بازار و تکنوکراتها و روحانیت است.

طبقه کارگر و زحمتکشان که بزرگترین و مؤثرترین نقش را در پیروزی انقلاب ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی داشتند با خیانت روحانیت حاکم به اهداف انقلاب و به شکست کشاندن آن نه تنها بهره ای از آن همه فداکاری و جانفشانی و ایثار نبردند بلکه در مقایسه با قبل از انقلاب امروز در شرایط به مراتب بدتر و اسفناکتر و دشوارتری زندگی می کنند.

اگر در دوران قبل از انقلاب بر اساس همان قانون کار شاهنشاهی کارگران بعد از سه ماه استخدام موقت، به استخدام رسمی و دائمی در می آمدند و از شرکتهای برده داری پیمانکاری نیروی کار و قراردادهای موقت و سفید امضاء خبری نبود؛ امروز از برکت حاکمیت اسلام عزیز بیش از ۸۰ درصد کارگران به صورت موقت و بدون هیچگونه امنیت شغلی کار می کنند.

اگر در دوران قبل از انقلاب حداقل حقوق کارگران در مرز خط فقر بود، آن را بدون تاخیر و به موقع پرداخت می کردند. امروز حداقل حقوق های یکششم زیر خط فقر و حتی یکدوم خط بقاء را با تاخیر های چند ماهه و گاهی چند ساله پرداخت می کنند.

اگر در دوران قبل از انقلاب همه کارگران بخش صنعتی از بیمه های درمانی و اجتماعی برخوردار بودند، امروز بیش از هشتاد درصد کارگران که قراردادهای موقت دارند از هیچگونه بیمه ای برخوردار نیستند.

اگر در قبل از انقلاب، فقر، بیکاری، فحشاء، قاچاق مواد مخدر، اعتیاد، دزدی، کلاهبرداری، باجگیری و رشوه خواری و رانت خواری و دروغ و ریا و تزویر و سایر معضلات و ناهنجاریهای اجتماعی وجود داشت امروز جامعه ایران از برکت حکومت امام زمانی به چنان مقام رفیع و رشدی در این عرصه ها دست یافته است که در تمام طول تاریخ ایران بی نظیر است.

اگر در قبل از انقلاب کارگران می توانستند با نیمی از دستمزد یا حقوق خود سرپناهی برای خود و خانواده‌هایشان تامین کنند امروز با تمامی حقوق خود در حاشیه ترین نقاط شهرهای بزرگ نمی توانند مسکنی تهیه کنند.

اگر کارگران در قبل از انقلاب (در سال ۵۵) با حداقل حقوق ماهانه خود که ۴۵۶ تومان بود می توانستند ۵,۷ سکه طلا از قرار هر سکه طلا ۸۰ تومان بخرند الان با حقوق ۳ ماه خود می توانند یک سکه طلا خریداری کنند یعنی قدرت خرید شان ۱۷ برابر کاهش پیدا کرده. یا اگر در سال ۵۵ می توانستند با حقوق یک ماه خود ۴۱ کیلو گوشت گوسفند (کیلویی ۱۱ تومان) بخرند، الان می توانند فقط ۱۰ کیلو گوشت گوسفند بخرند.

واقعیت زندگی اسفناک کارگران و زحمتکشان جامعه ما چنان عیان و آشکار است که حتی نمایندگان تشکیلات زرد و فرمایشی رژیم را هم به اعتراف واداشته است. نماینده کانون شوراهای اسلامی کار در کمیته دستمزد در مصاحبه با ایلنا اعلام کرد: بر اساس گزارشهای رسمی، در بهمن‌ماه سال جاری حداقل هزینه یک خانواده چهار نفره بالغ بر ۲۵ میلیون ریال بوده است.

حسن حبیبی با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: این هزینه‌ها بر اساس نرخ دولتی کالاهایی است که در سبد نیازهای خوراک، پوشاک و مسکن کارگران به عنوان اقلام ضروری تعریف و محاسبه شده‌اند.

وی درخصوص سبد هزینه‌های خوراکی گفت: در این سبد ۱۸ قلم کالای اساسی برگزیده جای دارد که سرانه مصرفی هرکدام برای هر نفر با توجه به استانداردهای وزارت بهداشت تعیین شده است.

به گفته این فعال کارگری کالاهای موجود در این سبد مصرفی شامل نان، برنج، حبوبات، ماکارانی، سیب زمینی، سبزی، مرغ، ماهی، گوشت قرمز، تخم مرغ، سایر سبزیجات، شیر، ماست، کره، پنیر، روغن و قند و شکر است.

این مقام کارگری افزود: بر این اساس تنها در بهمن‌ماه سال جاری هزینه این ۱۸ کالای خوراکی برگزیده بانرخ دولتی بالغ بر ۵ میلیون ریال و با نرخ آزاد بالغ بر ۷ میلیون ریال بوده است.

وی افزود: در یازدهمین ماه سال سبد کالاهای مصرفی یک خانواده چهارنفری در حالی به نرخ دولتی تا ۲۵ میلیون ریال برآورد می‌شود که حداقل دستمزد کارگران از ابتدای سال مبلغ ثابت ۳۹۸ هزار تومان تعیین شده است.

حبیبی با یادآوری اینکه مطابق ماده ۴۱ قانون کار مبنای تعیین حداقل مزد کارگران هزینه‌های اولیه یک خانواده متوسط است، گفت: براین اساس حداقل هزینه‌های زندگی شش برابر بیشتر از حداقل درآمد تعریف شده است.

عدالت و رزاق اسلامی حاکم چنان چهار نعل در جهت اجرای دستورالعملهای صندوق بین المللی پول و بانک جهانی می تازند که به مقام قهرمانان اجرای نئولیبرالیسم اقتصادی دست یافته اند.

کارگران و زحمتکشان ایران برای رهائی از شکنجه گاه جمهوری اسلامی و پایان دادن به این وضعیت دهشتناک اقتصادی و اجتماعی چاره ای جز اتحاد و همبستگی و تشکیلات ندارند.

مثلاً زر و زور و تزویر حاکم بر ایران برای حفظ قدرت و ثروت چپاول کرده خود نه تنها حاضر است ایران را دو دستی تقدیم دشمنان خارجی ملت ایران کنند بلکه ناموس نداشته شان را هم می فروشند. امپریالیستها و قدرتهای استعماری هم از این لولو خرخره دروغین و تبلیغاتی کوچکترین ترسی ندارند. دشمنان داخلی و خارجی مردم ایران تنها هراسشان از وحدت و همبستگی ملی و بخصوص اتحاد و تشکیلات طبقه کارگر ایران است.

اطلاعیه حزب کار ایران (توفان)

در محکومیت ترور نفرت انگیز شکر بلعید رهبر حزب متحد میهنی تونس



شکر بلعید، مبارز محبوب و خستگی ناپذیر راه آزادی و استقلال و یکی از مخالفین سرسخت حکومت تازه به دوران رسیده به رهبری حزب النهضه اسلامی که با توطئه و تقلب و دخالت امپریالیسم به قدرت رسید، صبح چهارشنبه ۶ فوریه در مقابل خانه اش ترور شد.

این ترور جنایتکارانه از جمله سلسله اقدامات سرکوبگرانه و حملات وحشیانه ای است که مدتهاست با حمایت و پوشش دولت حاکم علیه جبهه خلق تونس که جبهه متشکل از آزادیخواهان و نیروهای دمکرات و چپ و مردمی است ادامه دارد. در این جبهه حزب کار تونس، حزب مارکسیست لنینیست تونس نیز بعنوان یکی از اعضای با نفوذ و فعال حضور دارد. این قبیل توحش و بربریت یادآور انقلاب بهمن ایران و تعرض گام به گام نیروهای پس مانده حزب الله به نیروهای رادیکال و سکولار و مردمی ایران و سرکوب دستاوردهای انقلاب و نیروهای انقلابی می باشد.

ترور شکر بلعید یک اقدام رذیلاانه و تروریستی و ناشی از ضعف و زبونی رژیم ارتجاعی اسلامی حاکم از یک طرف و پیشروی جبهه خلق تونس است که هر روز با گسترش نفوذش در میان مردم محروم و روشنفکران و برای محقق ساختن اهداف انقلاب ملی و دمکراتیک هر اس مرگ در دل کوراندیشان ضد بشر حاکم و نیروهای میرنده جامعه افکنده است. از این رو ترور شوم ضدانسانی شکر

بلعید فقط محدود به او نمی گردد بلکه تیری است بسوی تمامی نیروهای دمکرات، چپ و اتحادیه های کارگری و زنان و تشکلات لائیک و مترقی جامعه که در خلال دو سال انقلاب تونس مورد تعرض افسارگسیخته ارتجاع قرار داشته و این وحشیگریها همچنان ادامه دارد.

حزب کار ایران (توفان) ضمن محکوم کردن این عمل شنیع و جنایتکارانه و ابراز همبستگی با خانواده و یاران شکری بلعید و جبهه خلق تونس همه نیروهای مترقی و انقلابی و چپ را در محکومیت رژیم ارتجاعی تونس و اقدامات جنایتکارانه جاری فرا می خواند.

حزب کار ایران (توفان) از انقلاب تونس و نیروهای متشکل در جبهه خلق که برای تعمیق انقلاب و استقرار نظامی دمکراتیک و ملی میرزمنند حمایت می نماید و از هیچ کوششی در افشای جنایتکاران رژیم اسلامی تونس که دست دراز شده امپریالیسم و بقایای رژیم بن علی است دریغ نخواهد ورزید.

حزب کار ایران (توفان) از فراخوان اعتصاب عمومی اتحادیه های کارگری و جبهه خلق تونس در اعتراض به ترور شکری بلعید و در اعتراض به اوضاع ملتهد و ناهنجار موجود و انحلال دولت و تشکیل یک مجلس موسسان دمکراتیک که مورد حمایت همه آحاد مردم تونس است پشتیبانی میکند.

زنده باد انقلاب تونس!
مرگ بر ارتجاع و امپریالیسم!
زنده باد همبستگی بین المللی!

حزب کار ایران (توفان)

پنجشنبه ۷ فوریه ۲۰۱۳

www.toufan.org

مصاحبه خبرنگار « زمان »!

با جیلانی حمای سخنگوی حزب کارگران تونس در مورد اوضاع کنونی تونس

بنظر می آید که انهدا و شرکاء می خواهند پرونده شکری بلعید را ماستمالی کنند. بعد از ترور شکری بلعید، کشمکش ها خیلی بالا گرفته، مثل یک گوله برفی شده که روز به روز، حتی ساعت به ساعت شتاب گرفته و می رود تا حکومت حمیدی جبالی را درهم شکند.

رفع تشنج، کاری که به لعاریاد سپرده شده، هنوز خیلی با آرامش و تسکین جو اجتماعی موجود فاصله دارد، چون بجای نفع کل کشور، منافع تنگ نظرانه گروهی را دنبال می کند. این نظر خیلی از فعالین سیاسی، از جمله آقای حمای، که مهمان امروز ماست. بنظر ایشان، این انتصاب بیشتر نفت بروی آتش می ریزد. بر این باور است که دعای انهدا... واقعیت را وارونه کرده و بر روی بسیاری از حقایق، خاصه بر روی ترور رفیق اش شکری بلعید سرپوش می گذارند... حال توضیحات ایشان:

س - شما فکر می کنید که تعارض در صفوف انهدا واقعی است، یا اینکه می خواهند وانمود کنند که حزب شان واقعا دمکراتیک است؟

ج - من تز دوم را می پذیرم، و حوادث اخیر هم این سوء ظن را تأیید کرده اند. در حقیقت، تمام مسائل اساسی، مسائل داخلی انهدا، حاصل توافقات جمعی اند و اختلافات ظاهری نافی این رویکرد مشترک نیستند. هر یک از این دو تن، حمادی جبالی و راشد قانوشی، فکر می کند که کارش با منافع حزبش هماهنگ تر است، همین و بس. تفاوت شان این است که اولی خطر و عمق بحران را دریافته، چون مدتی حکومت و کارهای رهبری و مدیریت در سطح دولت را تمرین کرده است. بنا بر این، از آنجا که هیچ تحولی را باعث نشده و خلق را هم در جریان بیان این تمرین آشفته قرار نداده است، خوب می داند که ادامه این راه، عاقبت انهدا و کشور را بسمت شکستی عظیم، انفجار، شاید هم بسمت یک انقلاب دیگر خواهد کشید. این است که او، ظاهرا آشنا با اوضاع و احوال بشدت بحرانی جاری، اهمیت مساله مجبورش کرده که چند قدم عقب نشینی کند، پای توافق و گفتگو را به میان کشیده و تدابیری اتخاذ کرده است. اینها همه حکایت از نوعی مانور و فریبکاری دارد تا انهدا را با لعاب دمکراسی تزئین کرده و آن را بعنوان حزبی جلوه دهد که کسی را طرد نمی کند، حزبی که قصد تصاحب دولت را ندارد... تا اعتماد خلق تونس و بعضی نیروهای متوهم سیاسی را بدست آورد. پس این دو رویکرد، در اساس هیچ فرقی با هم ندارند، اختلاف شان کاملا سطحی است، گویانکه جبالی عاقل تر و دیگری پرخاشگر، عصبی و یک دنده است، داده های واقعی را مورد توجه قرار نمی دهد... انهدا این اختلاف نظر را نوعی تحرک دمکراتیک قالب می کند، اما این بازی با اولین آزمایش برخورد پیدا کرده است: انتصاب مجدد نخست وزیر. با تسلیم و پذیرش نظر رقیب خودی، جبالی از روی این بازی نمایشی پرده برداشت، آنهم نمایی که چندان نپایید. انتصاب لعاریاد حکایت از خاتمه یک کمدی مضحک دارد

س - راهکار جبهه خلق در ارتباط با کنگره رهائی ملی به کجا رسیده است؟

ج - جبهه خلق در حال تدارک بحث ها برای فعال کردن این راهکار است. مشغول توده ای کردن آنیم، می کوشیم تا وسائل مناسبی برای این کار پیدا کنیم، از راه همکاری فشرده با UGTT و با برقراری تماس مجدد با سایر جریان های سیاسی، مثل ال مصار بمنظور بسط فرمول های عملی برای ارائه یک فرخوان به یک گفتگوی ملی بعنوان چارچوب کنگره رهائی ملی... هدف ما پرداختن به موضوع اصلی است: بحث در باره دلایل بحران و اشکال بروزش، خاصه تهیه یک برنامه رهائی ملی، یعنی مجموعه ای از تدابیر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، مجموعه ای از پیش فرض های سیاسی برای برنامه ای که جبهه خلق باید بر مبنای آن پارامترهای تعریف شده و مشخص خود را در باره خصلت دولت نوین بدست دهد...

س - کدام احزاب با این راهکار شما مخالفت می کنند؟

ج - این احزاب را همه می شناسند. مثل تروئیکا، که گویا راه حل سیاسی رفع بحران را در آستین دارد، گرچه خودش تنها مسئول آن است، ایضا همه آن احزابی که با حمادی جبالی همدست اند... اینها هستند که جلوی فعالیت ما را می گیرند...

س - آیا شما هم با این نظر، که در میان شماری از محافل سیاسی اشاعه یافته موافقت، مبنی بر اینکه در این لحظه حساس دو جبهه انقلاب و ضد انقلاب از هم جدا می شوند؟

ج - بله، کاملاً موفق. سخن برسر یک جراحی در فرآیندی دنباله دار است که از ۱۴ ژانویه شروع شد، تا بحال ادامه یافته و مراحل بعدی خود را نیز بدنبال خواهد داشت. در هر مرحله، اهداف و شعارهای مشخصی را هم ایجاب می کند. در حال حاضر، با یک رویداد تازه، با سقوط دولت و راهکار حمادی جبالی روبروست. واقعیتی که به ما اجازه می دهد تا نیروهائی را که مایل به یک مذاکره جدی برای رفع بحران هستند تشخیص داده و خرج مان را از آن نیروهائی را که متدهای خاص خود را دارند، آنانکه بدنبال سهم گروهی خویش اند، سازش در چارچوب نظام سابق را دنبال می کنند، جدا کنیم... این جدائی ادامه خواهد داشت... در ارتباط با برنامه، دولت آتی، با مسائل اقتصادی و اجتماعی جاری، مساله دمکراتیک، تکمیل قانون اساسی، تاریخ انتخابات و برپائی مراجع کنترل، مثل دادگستری... با مساله امنیتی، پرونده قتل شکری بلعید، افشای عوامل و اوامر این جنایت... جدائی نیروهای انقلابی و ضد انقلابی یک فرآیند دنباله دار است

س - منظورتان این است که بعضی احزاب نفعی در قتل شکری بلعید داشته اند؟

ج - ما متوجه تغییر رفتار نیروهای سیاسی، آنانکه رفیق ما شکری بلعید را بعنوان مبارزی در صف جبهه خلق، ایضا بعنوان رهبر یک حزب چپ... مورد حمله قرار دادند، شده بودیم... تغییر رفتار در قبال محکومیت جنایت سیاسی، غلتیدن بسمت دهلیز ترور... اما نباید مقاصد این احزاب در اوضاع و احوال جاری را فراموش کرد... بیخود نیست که می کوشند تا با منحرف کردن افکار عمومی بسمت دولت بر روی پرونده قتل شکری بلعید سرپوش بگذارند... شما شاهدید که جای پرونده قتل شکری بلعید در رسانه های بسیاری از احزاب خالی است.

س - در مورد قتل... گفته می شود که شناسائی و توقیف جنایتکاران طولی نخواهد کشید. در این ارتباط، آیا شما اطلاعات بیشتری دارید؟

ج - در حقیقت، ما بیشتر از آنچه که اشاعه یافته اطلاعاتی نداریم... ادعا می شود که قتل شکری بلعید یا کار یک گروهک سلافیست... یا کار سرویسهای جاسوسی خارجی است... احزاب زیادی هستند که رد پا ها را مخلوط می کنند تا این جنایت ماستمالی شود

س - راهپیمائی های اخیر را که انهدا سازماندهی کرده بود چطور ارزیابی می کنید؟

ج - بدیهی است سازماندهی این راهپیمائی ها در فردای مراسم تدفین شکری بلعید، حکایت از واکنشی خیانتکارانه داشت، قصد این بود که دوقطبی شدن شتاب پیدا کند، تشنج سیاسی در تونس تشدید شود. چون هیچ دلیلی برای سازمان دادن این راهپیمائی ها وجود نداشت، حال آنکه مراسم تدفین، با فراخوان جبهه خلق، UGTT و خیلی از نیروهای دمکراتیک برگزار شد و با استقبال وسیع مردم روبرو گشت، بمنظور تقویت دوقطبی شدن نبود... پس راهپیمائی های انهدا واکنشی بود بیاری هواداران خودی و گروههای سلافیست در قبال شعارهای مردم.

س - فکر نمی کنید که فراخوان تاسیس یک جبهه اسلامی در آخرین تظاهرات انهدا حکایت از نوعی تغییر تاکتیک در قبال سلافیست ها و نیروهای دمکراتیک داشته باشد؟

ج - این مساله برای ما هم سؤال برانگیز است، که چقدر بحران جاری می تواند نیروهای اسلامی را دور هم جمع کند... مدتی است که آنها در مواردی همکاری دارند... می دانیم که توافقات ایدئولوژیک از این دست کار را به اعراضات توده ای یا شورش منطقه ای کشیده... مثل مورد «ال ابدلیا»، یا حمله بر علیه «نیدا تونس» یا حتی مساله گروههای تروریست در مرزهای ما با الجزیره...

س - فکر نمی کنید که نزدیکی احزاب اسلامی باعث تضعیف جبهه دمکرات ها خواهد شد؟

ج - نزدیکی احزاب اسلامی بر روی نیروهای دمکراتیک اثری نخواهد گذاشت، درست برعکس، باعث می گردد که دمکرات ها بیشتر فعالیت کنند، مصمم تر شوند... بیشتر بر روی مسائل مربوط با دل مشغولی ها و روحیات مردم، عدالت اجتماعی، آزادی، دمکراسی، برابری، پیشرفت، اشتغال، قدرت خرید، خدمات عمومی... بر روی شرایط زیست جمعی بطور کلی تاکید ورزند...

س - مسئولیت دولت در مورد تکثیر و نگهداری سلاح... در مورد شبکه های انتقال جوانان ما بسوی جهنم سوریه را چطور دآوری می کنید؟

ج - انهدا به دو دلیل نمی تواند ما را در مورد بی گناهی خویش متقاعد کند. اولاً باین دلیل که حکومت در دست اوست، وظیفه تامین امنیت را بعهده دارد... در قبال حوادثی از این دست مسئول سیاسی است. ثانیاً باین دلیل که مناسبات دوستانه جاری با گروههای سلفیست از طریق اعلام های رهبران انهدا و راشد قانونی در راس آن، چیزی که اصلاً قابل انکار نیست... این رفتار انهدا نشان می دهد که او در جریان خیلی از خلافکاری های این گروهها، ایضا در جریان یک قسمت از قاچاق سلاح هایشان قرار دارد. گفته می شود انهدا می خواهد که وزیر کشور در سرویسهای حساس هم دخالت داشته باشد... می گویند که قصد دارد در دل همین وزارت خانه یک سازمان نظامی از هواداران خود بوجود آورد... اینها همه پای مسئولیت سیاسی و امنیتی انهدا در تمام رویدادهای جاری را به میان می کشد.

س - براساس این مطالب آیا می توان گفت که انهدا مرتکب جرائم کیفری هم شده است؟

ج - باید دید که این اطلاعات تا کجا از روی دخالت انهدا در موارد فوق الذکر پرده بر می دارند و شاید کشف حقایق در باره قتل شکری بلعید نیز بتواند اطلاعات تازه ای بدست دهد... هرچه نیروهای دمکراتیک بیشتر بهم نزدیک شوند... جبهه اسلامی بیشتر به هراس افتاده و تعادل خود را از دست می دهد.

س - فکر نمی کنید که آخرین نطق حمادی جبالی در مورد وضع امنیتی کشور اطمینان بخش است؟

ج - بهیچوجه! چون جبالی چیزها را بنام شان ذکر نکرد، حرف های گل و گشاد زد، از لزوم انحلال کمیته هائی که می خواهند یک امنیت موازی ایجاد کنند سخن گفت، اما بدون نام و نشان، «جماعت حمایت از انقلاب»! او در باره شکری بلعید هم چیزی بر زبان نیاورد... خودش اولین مسئول است...

س - آیا تدوین نهائی قانون اساسی برای آینده نزدیک است؟ و تونسوی ها پاداش شکیبائی و مقاومت فوق العاده خود را بدست خواهند آورد؟

ج - انهدا، وقت کشی می کند، مرتب تدوین قانون اساسی به تاخیر می اندازد، مثل آخرین چرکنویس، با عناوین مختلف: شرعیات بمثابه منبع قانونگزاری، برابری جنسی و مساله تکمیلی، اهانت به مقدسات، طرح قانون مصونیت انقلاب، رد مرجع جهانی حقوق بشر، اصل ۹۷ و ۱۴۸ در باره تجدید نظر مبانی و اصول عام قانون اساسی... انهدا تصور می کند که چون اکثریت دارد باید بتواند هر کاری که می خواهد انجام دهد و فراموش می کند که این خلق تونس بود که مجلس موسسان را تحمیل کرد و یک قانون اساسی دمکراتیک، ضامن آزادیهای بنیادی، یک دولت تونس مستقل، مترقی، عدالت خواه، منصف و ضامن رفاه همه شهروندان را طلب می کند... خلق و تمام نیروهای دمکراتیک باید در قبال تلاش های انهدا هشیار باشند که یک قانون اساسی هماهنگ با ایدئولوژی خود را در مد نظر دارد و تیشه به ریشه ارزش ها و اصولی می زند، پای ارزش ها اصولی در میان است که نسل ها برایشان مبارزه کرده و قربانی داده اند.

تنبیه و تحریم مردم ایران یک جنایت ضد بشری

چندی پیش در سال ۲۰۱۲ گزارشی بدست ما رسید مبنی بر اینکه حسابهای ایرانیان در بانک ملی ایران در هامبورگ مسدود می شود. آنها چنانچه قبل از تحریم آمریکا حسابی گشوده باشند، حق دارند پول خود را از حساب خود برداشت کنند، ولی چنانچه بعد از تحریم پولی به حساب خود واریز کرده باشند، باید قید پول را بزنند.

بنظر ما این گزارش چندان جدی نیامد و توجه کافی بدان مبذول نداشتیم. بعد از آن گزارش دیگری بدست ما رسید که «بانک آلمان» به مشتریان ایرانی خود نامه ای نوشته و در طی آن از آنها در خواست کرده است که وضعیت خود را در مورد حساب بانکی خویش در نزد «بانک آلمان» روشن کنند. متعاقب آن گزارش دیگری دریافت کردیم که یک ایرانی که برای خرید عادی از کارت اعتباری استفاده می کرده است، متوجه شده که بانک وی حسابش را مسدود کرده است و وی قادر نیست از طریق کارت اعتباری بهای مواد خوراکی خویش را بپردازد. مراجعه به بانک روشن کرده که "جرم" وی تنها ایرانی بودن است. وقتی معلوم شده که وی تابعیت آلمانی دارد، بانک با عرض معذرت حسابش را مجدد آزاد کرده است.

فرستنده آلمانی دویچه وله در تارنمای خود بتاريخ ۲۰۱۲/۱۲/۱۷ نوشت: "به گزارش روزنامه "تاتس" برخی از بانک‌های آلمان از افتتاح حساب برای شماری از ایرانیان خودداری می‌کنند و حساب عده‌ای را بسته‌اند. یک نماینده ایرانی‌تبار پارلمان آلمان این اقدام را غیرقانونی خوانده است.

روزنامه "تاتس" چاپ برلین روز دوشنبه (۱۷ دسامبر/ ۲۷ آذر) در گزارشی از بسته شدن حساب شخصی برخی از شهروندان ایرانی تبار در تعدادی از بانک‌های آلمان خبر داده است.

بنابر این گزارش "در هفته‌های گذشته حساب جاری شماری از ایرانیان مقیم آلمان بسته، و کارت‌های اعتباری شماری دیگر مسدود شده است.

ظاهراً تاکنون هیچ یک از موسسه‌های مالی معتبر آلمان حاضر به اظهار نظر در مورد این مسئله نشده‌اند. سخنگوی "کومرتز بانک" در پاسخ به پرسش‌های خبرنگار "تاتس" از او خواسته با این تصمیم بانک که "اصولاً در مورد رابطه با مشتریان" اطلاعاتی ارائه نمی‌کند تفاهم داشته باشد.

امید نوری‌پور، نماینده ایرانی‌تبار حزب سبزها در پارلمان، در گفتگو با روزنامه‌ی "تاتس" با اشاره به این که تعدادی از کسانی که با این مشکل روبرو شده‌اند به او رجوع کرده‌اند این اقدام بانک‌های آلمانی را خلاف قانون خوانده است.

روزنامه زود دویچه تسایتونگ در تاریخ ۲۰۱۳/۰۲/۱۲ خود از این ماجرای تصور ناپذیر و در مغایرت با عرف جهانی و قانون اساسی آلمان نیز در اثر فشار افکار عمومی پرده برداشت و معلوم شد ابعاد فاجعه بسیار بزرگتر از آن است که مطبوعات به آن پرداخته اند.

پرداخت پول کرایه خانه، مالیات ماشین، بهای صورت حساب تلفن و یا پرداخت صورت حساب آب و برق همه و همه از طریق حساب بانکی صورت می‌گیرد. زیرا دخل و خرج هر کس باید از نظر اداره مالیات قابل بررسی باشد. شرکت‌های خصوصی آلمان با تأیید ضمنی دولت آلمان و مغایرت تمام حقوق انسانی، نان اتباع ایرانی را بریده اند. وقتی کسی حساب بانکی اش بسته است، دیگر نمی‌تواند از طریق سپرده بانکی اش به تأمین زندگی روزمره خود بپردازد. این امری نیست که از دید کسی پنهان بماند. و بهمین جهت باید مطمئن بود که هدف از این کار گرسنگی دادن به اتباع ایرانی و هزاران دانشجوی ایرانی است که در آلمان درس می‌خوانند و تابعیت ایرانی دارند. رژیم‌های امپریالیستی می‌خواهند با تحت فشار قرار دادن آنها، موجبات نارضائی و شاید شورش کور را در ایران فراهم آورند. این اقدام، یک روش ضد بشری و تحریک آمیز است که باید آنرا محکوم نمود. پاره ای از خودفروختگان ایرانی از "چپ" و راست که تحریم‌های امپریالیستها علیه مردم ایران محکوم نکرده اند و شرمسارانه آنها را مثبت ارزیابی می‌کنند، همان کسانی که به خیال خودشان منتظر "فرصت مناسب" نشسته اند تا در کنار امپریالیستها و صهیونیستها به ایران حمله کنند و "جبهه سوم" به عنوان "ستون پنجم" ایجاد نمایند، از این گونه تحریمها و حتی بدتر از آن حمایت می‌کنند. رضا پهلوی شهروند فراری از ایران که باید به جرم بالا کشیدن ثروت مردم ایران و همدستی با جنایتکاران ساواک در رژیم گذشته و دسیسه علیه تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی ایران در همدستی با امپریالیسم و صهیونیسم در یک دادگاه علنی محاکمه شود در گفتگو با بی بی سی در اوایل ماه بهمن ۱۳۹۱ گذشته، در مورد تحریم‌های امپریالیستی ابراز داشت: "بنابراین این وسط سه چیز مهم باید اتفاق بیفتد. یکی این که جهانیان باید فکر ادامه سیاست تحریم با انتظار تغییر رفتار رژیم را از سر خود بیرون کنند. اما می‌توانند درک کنند یکی از فاکتورهایی که به سقوط احتمالی این رژیم کمک خواهد کرد، البته تحریم اقتصادی است، این مسئله شرط لازم است و نه کافی...".

"چپ" های هوادار "فرصت مناسب"، عملاً همدستان رضا پهلوی فراری هستند، که امروز با نتایج تبلیغاتشان در ایران و خارج ایران روبرو شده اند. آنها از تنبیه و تحریم مردم ایران مسرورند و این کار امپریالیستها را کمک به مردم ایران و انقلاب ایران جا می‌زنند. آقای نوید امیدی دانشجوی ایرانی در تورینگن که از شش سال قبل برای تحصیل به آلمان آمده است و تبعه ایران است، در کشور "دموکراتیک" آلمان به پیروی از زورگویی تبیعی آمریکا در تحریم ایران، از این حق طبیعی محروم شده است که از حق برداشت از حسابش برخوردار باشد. توجه بکنید بانک‌های آلمان بدون حکم دادگاه حساب افراد را می‌بندند، در حالیکه دارای چنین حقی نیستند. دولت آلمان نیز با بی عملی و سکوتش از این تجاوز به قانون حمایت می‌کند.

به نوشته تارنمای دویچه وله دادگاه‌های آلمان در سال ۲۰۱۲ در این مورد نظر داده اند. به موجب حکم آنها: "در ماه مه سال جاری دادگاه عالی شهر هامبورگ در ارتباط با یک دعوی حقوقی رای داد که بانک‌ها اجازه ندارند حساب شرکت‌های آلمانی را که با ایران روابط تجاری دارند مسدود کنند. مطابق این رای حتا اگر طرف معامله شرکت‌های آلمانی در فهرست ضمیمه تحریم‌های اتحادیه اروپا نیز قرار داشته باشند بستن حساب این شرکت‌ها مجاز نیست".

ناگفته پیداست آنچه در مورد شرکتها مجاز نیست به طریق اولی نمی‌تواند برای افراد عادی مجاز باشد. ولی کسی در این میان به حرف حساب و سند و مدرک و استدلال گوش نمی‌دهد. دنیا دنیای زورگویی و قلدری و غارتگری امپریالیستی است.

به نوشته روزنامه زود دویچه تسایتونگ آقای نوید امیدی به یکی از شعب "بانک آلمان" مراجعه کرده تا حسابی باز کند. آنها گشایش حساب را برای وی بدون کوچکترین توضیحی رد کرده اند. آقای امیدی با یک خانم آلمانی ازدواج می‌کند و بعد از ترک محل تحصیلش در شهر جدید بازم موفق نمی‌شود در نزد "بانک آلمان" که بزرگترین بانک کشور آلمان فدرال است حسابی بگشاید. همه امیدهای آقای امیدی بر باد می‌رود و به نومیدی بدل می‌شود. "بانک آلمان" به وی پاسخ می‌دهد: "با علاقه درخواست شما را بررسی کردیم. متأسفانه برایمان مقدور نیست در شرایط فعلی حساب مطلوب شما را بگشاییم".

"امیدی تنها کسی نیست که در ماه‌های گذشته چنین نامه‌ای دریافت کرده است. هر روز به ایرانی‌های بیشتری اطلاع می‌دهند که درخواست بازگشائی حساب بانکی آنها، از طرف تعداد زیادی از بانک‌ها رد شده است. حساب برخی‌ها که حتی از سالها قبل گشوده بودند، بسته شده است. یک خانم ایرانی که سالهاست دارای تابعیت آلمانی است از "بانک آلمان" پرسشنامه‌ای دریافت می‌کند که در

آن باید اطلاعات دقیقی در باره سفرهایش به ایران و ارتباطات تجاریش در آنجا در اختیار آنها بگذارد. دو هفته بعد نامه بستن شدن حسابش را به آدرسش پست کرده اند." (نقل از همانجا).

لوتس بوکلیچ عضو انجمن امدادی پناهندگان به روزنامه زود دویچه تسایتونگ گفته است: "این قبیل پیشآمدها شامل تقریباً همه ایرانی هائی می شود که تابعیت ایران را دارند. همه ایرانی ها متعلق به هر گروهی را در بر می گیرد و هیچ بانکی از این امر مستثنی نیست." از ماه مه سال ۲۰۱۲ تا کنون بر حسب آمار بوکلیچ تقریباً حساب بانکی ۱۵۰۰ ایرانی بسته شده است. تعداد ایرانی هائی که با این مشکل روبرویند بمراتب بیش از ۱۵۰۰ نفر است. در آلمان ۵۴۰۰۰ ایرانی که دارای تنها تابعیت ایرانی هستند زندگی می کنند و با این مشکل روبرو می باشند.

آمریکا مسدودیت حسابهای مجاهدین را بر می دارد تا از پولهای انباشت شده از منابع امپریالیستی و ارتجاعی جهانی برای خیانت ملی استفاده کنند، ولی حساب هزاران هموطن ایرانی ما را می بندد. بانکهای آلمان دلیلی برای بستن حسابهای ایرانی ها ارائه نمی دهند، فقط به "دلایل سیاسی تجاری" استناد می کنند. تنها بانک "هیپو فراینز" است که در نامه های خود به دارندگان حساب اشاره کرده است که بر اساس قطعنامه سازمان ملل شماره ۱۹۲۹ که در سال ۲۰۱۰ به تصویب رسیده است و در آن نظر به محاصره و تحریم اقتصادی ایران دارد این اقدامات صورت پذیرفته است. ولی این بانک نمی گوید که به موجب حکم دادگاه هامبورگ این کار آنها غیر قانونی است. بانکها از فشار آمریکا بیشتر از حکم دادگاه خودی می ترسند. امپریالیست آمریکا درک حقوقی آمریکائی و قلچماقی خویش را به همه تسری داده است.

خود روزنامه زود دویچه تسایتونگ می نویسد که در این قطعنامه نظر بر شرکتهای، موسسات و افرادی هست که در ارتباط با سیاست هسته ای رژیم ایران قرار دارند. در این قطعنامه سخنی هم از تحریم و تحت فشار قرار دادن همه ایرانی ها نیست.

„بانک آلمان“ به گروه امدادی پناهندگان اظهار داشته که هر تبعه ایران که مدت طولانی ساکن آلمان باشد مشکلی برای گشایش حساب بانکی نخواهد داشت. بر اساس نامه کتبی که „بانک آلمان“ برای گروه امدادی پناهندگان ارسال داشته است آمده است که هر کس که شش ماه ساکن آلمان باشد حق گشایش حساب بانکی را دارد. دانشجویان حتی از این قانون نیز مستثنی هستند.

در حقیقت بانکهای آلمانی از شانناژهای موسسات مالی و دولت امپریالیستی آمریکا هراس دارند. آنها فشار هائی را به ایرانی ها اعمال می کنند که متکی بر هیچ مبنای حقوقی نیست. آنها از بهانه جوئی امپریالیست آمریکا می ترسند. هر چقدر فشارهای آمریکا به ایران به صورت غیر قانونی افزایش می یابد، ممالکی که با آمریکا روابط حسنه دارند و یا از آنها می ترسند، خودشان که از ماهیت قلدرمنشانه و غیر قانونی این اقدامات واقفند می ترسند در این جنگلی که آمریکائی ها خلق کرده اند با شمشیر قانون ستیزی سر خود را نیز از دست بدهند. هیچکس زبان به اعتراض نمی گشاید زیرا قانون امپریالیست آمریکا به همه تحمیل شده است. اقتصاد اعتباری آلمان که در برگیرنده تمام دستجات برگزیده اقتصاد اعتباری آلمان را در بر می گیرد، به مصوبه اتحادیه اروپا در ماه مارس ۲۰۱۲ استناد می کند که در آن طلب می شود که در مناسبات تجاری با موسسات مالی، انتقال پولی با ایران هشجاری حفظ شود که شامل محدودیتهائی برای ارسال پول به ایران و یا خروج پول از ایران می شود. این محدودیتهای باید از طرف همه موسسات اعتباری رعایت شوند. بعضی موسسات آلمانی از ترس اینکه این بی قانونی جهانی دامن آنها را نیز بگیرد و دستشان به جانی نرسد، حتی محدودیتهای شخصی و سلیقه ای خویش را نیز به محدودیتهای اتحادیه اروپا می افزایند که دیگر مولای درزش نرود.

به رامین پورحسنتی که یک دانشجوی ایرانی در برلن است در یک شعبه بانک "اشپارکاسه برلن" با وضوح می گویند که وی به علت تابعیت ایرانی اش حق دارا بودن کارت اعتباری نیست. خانم کریستینه لودرز مسئول دایره ی فدرال مبارزه با اعمال تبیعض، این اقدامات بانکها را غیر قابل فهم می داند و اضافه می کند: "عام بودن قانون برخورد به صورت یکسان، مانع از آن است که کسی بخاطر تبعیت ایرانی اش به نحو نامناسب دچار خسران شود".

آقای مارکوس لونینگ که مسئول امور مربوط به حقوق بشر در دولت آلمان است راه حل را یافته است. وی به همه ایرانی ها توصیه می کند که از پای ننشینند و اگر در بانکی موفق به بازکردن حساب نمی شوند به بانک دیگر بروند و این کار را آنقدر ادامه دهند تا بانکها از رو بروند. کسی از ترس دولت آمریکا جرات نمی کند بگوید که به موجب حکم دادگاه، بانکهای آلمانی باید روشنشان را در برخورد با اتباع ایرانی تغییر دهند.

ظاهراً در آلمان قانونی برای این تضییقات وجود ندارد. حتی اعمال این تضییقات علیه دانشجویان و اتباع ایرانی ضد قوانین آلمان است، ولی با وجود این نه تنها بانکها از انجام وظایف قانونی خویش سرباز می زنند، حتی خود دولت آلمان هم از زیر بار اتخاذ موضع روشن و حمایت از اتباع ایرانی شانه خالی می کند و رویدادها را زیر سیلی رد می کند. دولت آلمان تلاش نمی کند تا قوانین این کشور در مورد ایرانی ها رعایت شود.

جالب است، در اینجا کسی دیگر از نقض حقوق بشر سخن نمی راند. شاید به این دلیل که کسی را اعدام نمی کنند، چون کسی را شکنجه نمی دهند، چون کسی را به زندان نمی اندازند و یا نیانداخته اند، در اینجا هیچکدام از این روشهای متعارف را بکار نبرده اند، فقط امکانات زیست ایرانی ها را از شان گرفته اند تا خودشان بتدریج بمیرند. آنهم نه توسط دولت رسمی که بهر صورت بگونه ای پایش گیر است و باید چهره جهانی "بشردوستانه" خویش را حفظ کند، بلکه توسط شرکتهای و بانکهای خصوصی که از حق "خصوصی" خود برای انجام کاری استفاده می کنند. کسی نمی تواند از „بانک آلمان“ که دولتها را می آورد و می برد و در دو جنگ جهانی آلمان شرکت مستقیم داشته است، به زور بخواهد که برای یک تبعه ایرانی حساب جاری بگشاید. هیچ دولتی در آلمان چنین خواستی را به سرمایه داران خصوصی تحمیل نخواهد کرد. دولت حساب خود را از آنها جدا می کند تا آنها حساب ایرانی ها را برسند، تا شاید در اثر نارضائی ایرانیان در ایران شورشی در خدمت منافع امپریالیستها و همدستان "انقلابی" ایرانی آنها برپا شود. ببینید مفهوم محاصره اقتصادی ایران چیست. این محاصره تنبیهی تنها بر ضد مردم ایران است و هر ایرانی که آشکار و یا پنهان مدافع این تحریم باشد خودفروخته و خائن است.

تشدید اختلافات رژیم و بازداشت سعید مرتضوی

دادستانی عمومی و «انقلاب تهران» شامگاه دوشنبه اعلام کرد که سعید مرتضوی، قاضی پیشین دادگاه های جمهوری اسلامی ازداشت و به زندان اوین منتقل شده است

گزارش خبرنگار سیاسی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، محمود احمدی نژاد صبح امروز پیش از عزیمت به مصر در جمع خبرنگاران گفت: خبر دستگیری مرتضوی را شنیدم و بابت آن متاسفم. وی ادامه داد: نمی دانم چرا اینطور است. فردی تخلف کرده اما شخص دیگری دستگیر شده است و این کار بسیار زشت است. احمدی نژاد با تأکید بر اینکه "وقتی از سفر برگردم حتما این مساله را دنبال می کنم"، خاطر نشان کرد: قوه قضاییه باید قوه قضاییه ملت باشد چون این قوه یک سازمان ویژه خانوادگی نیست... اختلافات بیت رهبری و احمدی نژاد که در عرصه های گوناگون بروز می کند، ریشه اش در استبداد ولایت فقیه در ایران است. فشار توده ها از پائین، تأثیر مبارزه توده ها در منطقه، فشار امپریالیستها و صهیونیستها و عوامل داخلی آنها در ایران، نقش رسانه های گروهی و شبکه های اجتماعی مثبت و منفی، تضاد میان زیر بنای سرمایه داری و روبنای عقب مانده که ترکیبی از سنتهای فئودالی-قبیله ای-ملوک الطوائفی و مذهبی و پس مانده قرون گذشته است، فساد و تباهی، باند بازی مافیائی، فقدان امنیت اجتماعی، بی قانونی، شکاف طبقاتی و تشدید فقر، تنویر افکار و جهانگرایی اندیشه ها در قبال فرار به عقب و رفتن به پستوها و تاریک اندیشی به نیت حفظ خود و... عواملی هستند که به اختلافات دامن می زنند و این تازه از نتایج سحر است. مرگ خامنه ای نزدیک است و دامنه اختلافات برای کسب رهبری و تامین امنیت باندهای خودی تشدید می شود. مرگ خامنه ای یعنی تقویت نیروهای گریز از مرکز، زیرا با مرگ وی عمر فرزندان انقلاب نیز به پایان می رسد و باید نسل جدیدی از روحانیون اعتبار و اقتدار خویش را به میدان آورد و دیگران را مجذوب سلطه خود کند و برایشان احترام آفرین باشد.

این نیروهای گریز از مرکزند که در فکر عاقبت اندیشی هستند و خودشان می فهمند که وضع به این نحو با دادن رشوه و هزینه کردن درآمد نفت، برای خرید اوباشان طبقاتی و هاله حفاظتی بدور خود، نمی تواند تا ابد ادامه یابد. آنهم در کشور و در مقابل ملتی که چندین انقلاب را در طول تاریخ پشت سر خود گذاشته است و هر آن مترصد است ایده آل خود را به قدرت برساند. حال باید منتظر شد و دید فرجام سعید مرتضوی قاضی و جلال کهریزک با داروی نظافت بی سروصدا به پایان خواهد رسید یا اینکه احمدی نژاد در دفاع از اوبا تعرض به جناح مقابل کار را به جاهای باریک خواهد کشاند.

نقل از فیسبوک توفان

سخن هفته

سه شنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۱



نمایش حقوق بشری و یاران انقلاب مخملی

در این نمایش مشتی ایرانی متعلق به انقلاب مخملی نیز شرکت دارند که از مزایای هتلهای درجه یک و مخارج مسافرتیهای عدیده به بهانه شرکت در دوره های کارشناسی حقوق بشر و یا روزنامه نگاری در لندن و سایر شهرهای اروپا و یا در دوی و... برخوردارند، تصاویر کوچک و بزرگ آنها را در نشریات امپریالیستی برای عوامفریبی چاپ می کنند. این ایرانی های خود فریب واقفند که اگر دهان باز کرده تجاوز امپریالیستها به ایران را محکوم کرده، از حق قانونی ایران در استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای دفاع نموده، محاصره اقتصادی ایران و گرسنگی دادن به مردم ایران را جنایتکاری علیه بشریت دانسته و محکوم نمایند و یا اینکه به امر تحقق حقوق بشر کاسیکارانه برخورد نموده، آنرا جهانشمول دانسته و نقض آنرا توسط صهیونیستها و امپریالیستها در فلسطین و افغانستان و عراق محکوم کنند، دیگر از اطاقهای راحت هتلهای درجه یک و پولهای همراه جوایز بنیادهای مشکوک امپریالیستی-صهیونیستی، از ضیافتیهای گرانقیمت با صرف شامپاین و فرقاوول و خاویار انتشار نام و نشان بی اهمیتشان در نشریات امپریالیستی خبری نیست. آنها آموخته اند که "آسته آسته راه بروند تا گربه شاخشان نزنند". این ایرانی ها از آن نوع ایرانی هائی هستند که آنها را لای پوست پیاز می خوابانند تا به موقع از آنها برای اسارت ملت ایران استفاده کنند. حزب ما بارها اعلام کرده است که برای مبارزه با این تاکتیک امپریالیستی تنها یک راه وجود دارد و آن اعلام موضع روشن کسانی است که این جوایز را به دست می آورند، اعلام موضع بر این

مبنا که نشان دهد آنها حاضر نیستند شرافت و غرور ملی خویش را برای دریافت این نوع جوایز به فروش برسانند. آنها باید به صراحت خط تمایز خویش را با ریاکاری امپریالیستها و یا صهیونیستها نیز روشن کنند. طفره رفتن از این امر، پذیرش همدستی با دشمنان بشریت و مردم ایران است. این جوایز نه برای ایران و نه برای آنها افتخاری خلق نمی کند و سرانجام مانند لکه ننگ همکاری با بنیادهای مشکوک در تاریخ زندگی آنها می ماند. این افراد اگر فرصت طلب و خودفروخته نباشند می توانند در سخنرانی تشکر آمیز خود مواضع سیاسی مردم ایران را در نفرت از جمهوری اسلامی، امپریالیسم و صهیونیسم بیان کنند. این است ملاک تمیز سره از نا سره.

توفان

سخن هفته

چهارشنبه ۱۱ بهمن



تحقیر انقلاب مردم یک سیاست استعمار است



اینروزها ضد انقلاب مغلوب و در راس آن سلطنت طلبان منفور با پخش نوشته ای از چرچیل در عرصه مجازی در نکوهش انقلاب و انقلابیون و فراخواندن «نسل جدید به طغیان در مقابل نسل قدیم» و بیان اینکه:

«درملل های عقب مانده آنانکه با مشیت های گره کرده انقلاب میکنند روزی با مشت های از هم گسیخته گدانی خواهند کرد. چرچیل»..بدنبال بهره برداری از اوضاع و احوالی هستند که ریشه در استبداد تاریخی و دخالت های افسارگسیخته استعماری دارد. این بیخردان بخاطر منافعشان با علم تحولات اجتماعی و روند تکاملی بشریت مخالفند. آنان طغیان برده ها علیه برده داران و قیام اسپار تاکوس را به ریشخند میگیرند، زیرا شکست خورد. آنان با همین بینش ارتجاعی باید مخالف تمام تحولات اجتماعی علمی باشند زیرا ابتدا باشکستهای همراه بوده و نمی توانست نباشد. آنان همان کسانی هستند که با توسل به سقوط هواپیما مردم را تشویق به سفر با الاغ می نمایند!

بشر در هر عرصه علمی و اجتماعی برای از پیش پای برداشتن موانع تاریخی و هموار کردن راه ترقی و پیشرفت و آزادی و عدالت اجتماعی صدها میلیون کشته داده تا بدینجا برسد که امروز قرار داریم. انقلابات اجتماعی حاصل جادو و جنبل و معجزه این فرد و یا آن فرد نیست، محصول یک سری تضادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که آن را اجتناب ناپذیر میسازد. انقلابات مشروطه و بهمن و یا نهضت ملی کردن صنعت نفت.... که علیه استبداد و استعمار بودند نه تنها جای ندامتی باقی نمی گذارند بلکه برگ زرینی در تاریخ تحولات اجتماعی ایران در دوران معاصرند و باعث غرور و افتخار مردمی هستند که برای آزادی و استقلال ضربات سختی بر پیکر استبداد و استعمار وارد ساختند. سلطنت به گورستان تاریخ سپرده شد و شاه و شیخ هر دو دوروی یک سکه و به دوران قرون وسطی تعلق دارند و انقلاب آتی ایران نه تنها برای دفن استبداد و تمام بقایای کهن بلکه برای براندازی نظام سرمایه داری و برای نان و عدالت اجتماعی نیز می باشد. درجه ترقی و پیشرفت و مدرن اندیشی افراد فقط در این چهار چوب قابل تبیین است.

زندانی داریم ... تا زندانی...!

جمعه ۴ اسفند ۱۳۹۱؛ ۲۲ فوریه ۲۰۱۳

<http://www.peykar.org/felestin/786-zendanifelestin.html>



ترجمه برای اندیشه و پیکار، برگرفته از سایت اوروفلسطین

<http://www.europalestine.com/spip.php?article8083>

۸۰۰ زندانی سیاسی فلسطینی به حمایت از سامر عیساوی در اعتصاب غذا به سر می برند. ولی چون مسئله به فلسطینی ها مربوط است برای رسانه های گروهی جهان انگار نه انگار. این نیروی اشغالگر اسرائیل است که بی هیچ اعتنایی به قانون بین المللی آن ها را به زندان انداخته و شکنجه می کند.

برخی از این زندانیان مانند سامر عیساوی ۲۰۸ روز است که در اعتصاب غذا به سر می برند. او یکی از ۱۴ زندانی ست که در سال گذشته به دنبال توافق بین فلسطین و اسرائیل برای مبادله زندانیان، آزاد شده بودند ولی اسرائیل آنان را مجددا ر بوده و بی هیچ توضیحی آن ها را در زندان نگاه داشته است.

سامر عیساوی هفتم ژوئیه سال گذشته دستگیر شد. در زندان مسکوبیه در اورشلیم شکنجه شد و ۲۸ روز تحت بازجویی بود. در ۲۳ روز اول بازداشت نتوانست با وکیلش تماس بگیرد. آزادی او از زندان دائما بنا به فرمان نظامی به تعویق افتاده و دلیل آن را محرمانه اعلام کرده اند.

سامر عیساوی ۱۰ سال از عمر خود را در زندان گذرانده بود. ۱۵ آوریل ۲۰۰۲ هنگام حملات متعدد نظامی اسرائیل به شهرهای فلسطینی از جمله جنین و نابلس (ساحل غربی) دستگیر شد. او را به ۳۰ سال زندان محکوم کردند. در حالی که نه کسی را کشته و نه کسی را زخمی کرده بود. ولی یک دادگاه نظامی ویژه او را متهم کرده بود که اسلحه داشته و به گروه های نظامی در اورشلیم آموزش می داده است.

امروز زندگی او به مویی بند است. نیمی از وزن خود را از دست داده و اعضای درونی او دارند از کار می افتند. بینایی و قدرت تکلم را دارد از دست می هد و خون بالا می آورد. متأسفانه همه این نشانه ها گواهی می دهند که در حال مرگ است. سال هاست که ما کوشیده ایم جهان را نسبت به وضعیت غیر عادلانه و وحشیانه ای که علیه زندانیان فلسطینی اعمال می شود هشدار دهیم. اسرائیل از ده ها سال پیش نهایت کوشش خود را به کار می برد تا با شکنجه و حبس در شرایط بسیار سخت، مقاومت آنان را در هم بشکند. از ۱۹۶۷ تا کنون حدود ۸۰۰ هزار نفر از فلسطینی ها، مرد، زن، کودک به سیاهچال های نیروهای اشغالگر اسرائیل گرفتار شده اند که در قیاس با جمعیت فرانسه شمارشان به ۱۵ میلیون می رسد.

آیا می دانید که وقتی یک زندانی فلسطینی در زندان اسرائیل بمیرد جسد او را تا پایان مدت محکومیتش به خانواده اش تحویل نمی دهند؟

زندانیان فلسطینی در اسرائیل محروم از ملاقات خانواده، حضور وکلا، محروم از درمان و تغذیه درست و غالباً در سلول های انفرادی به سر می برند. با وجود این، همیاری نمونه ای بین آنان وجود دارد تا زندانی دیوانه نشود و حیثیت انسانی اش حفظ گردد.

زندانیان به اعتصاب غذاهای متعدد دست زده اند تا خودسری های اسرائیل و شکنجه هایی را که از سن ۱۲ سالگی هنگام دستگیری و بازجویی بر آنان اعمال می شود به گوش جهانیان برسانند. شما همچنین می دانید که اسرائیل دست به بازداشت "اداری" می زند، یعنی حبس بدون اتهام، بدون محاکمه و بدون آنکه پایان مدت بازداشت مشخص باشد. اسرائیل از قانونی استفاده می کند که دولت انگلیس در فاصله دو جنگ جهانی در فلسطین پیاده می کرد یعنی بازداشت اداری که هر ۶ ماه تا مدتی بی پایان قابل تمدید بود. هم اکنون ۱۷۸

زندانی فلسطینی در چنین وضعی به سر می برند.

فوتبالیست حرفه ای فلسطینی محمود سرسق که ۳ سال در زندان اسرائیل گذراند چنین وضعی داشت و تنها در پی ۹۵ روز اعتصاب غذا بسیج بین المللی بود که از زندان آزاد شد.

امروز رسانه ها همچنان در باره سرنوشت سامر عیساوی و دیگر زندانیان فلسطینی به سکوت خود ادامه می دهند. بازداشت آنان در

زندان های اسرائیل بنابر حقوق بین الملل غیرقانونی ست، چنانکه بر اساس معاهده های ژنو ممنوع است که یک قدرت اشغالگر، اهالی یک سرزمین تحت اشغال را به جای دیگری انتقال دهد. این کاملاً ناعادلانه و خودسرانه است. هدف اسرائیل به تسلیم کشاندن مردان و زنان و کودکان است و مرعوب کردن اهالی فلسطین تا سرزمین و کشورشان را ترک کنند. حدود ۱۰ انجمن هوادار فلسطین اطلاعیه فوق را امضا کرده برای تظاهرات در مقابل ستاد حزب سوسیالیست فراخوان داده اند.

توفان شماره ۱۵۶ اسفند ماه ۱۳۹۱

ارگان مرکزی

حزب کار ایران منتشر شد.

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترتسکیسم و شبه ترتسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

پاره‌ای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:

- * بر علیه عامیانه کردن شعار انتقاد از خود - استالین
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره پانزدهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین
- * مارکسیسم و مسئله ملی - استالین
- * ترتسکیسم، ضدانقلاب در پوشش - م. ج. اولزین
- * سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی
- * مانیفست حزب کمونیست - مارکس و انگلس
- * امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری - لنین
- * توطئه بزرگ کتاب سوم
- * توطئه بزرگ کتاب چهارم

در خطه حکمرانی اسرائیل اثر ارزشمندی از بهروز افراشته

سرزمین اشغال شده فلسطین توسط عزرائیل

ما خواندن این کتاب را به همه علاقمندان و پژوهشگران و مبارزین راه زادی و استقلال و سوسیالیسم توصیه میکنیم



آدرس سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب

www.toufan.org

[/http://www.kargaregah.blogspot.com](http://www.kargaregah.blogspot.com)

[/http://kanonezi.blogspot.com](http://kanonezi.blogspot.com)

[/http://rahetoufan67.blogspot.com](http://rahetoufan67.blogspot.com)

از توفان در فیس بوک و توییتر دیدن کنید.



دست امپریالیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!